

یادداشت روز



حسین هوشیارگر
منتقد سینما

جشنواره فیلم فجر ۴۳
و دوران گذار مدیریتی

همه می‌دانند جشنواره فجر در این سال‌ها و در ۴۳ دوره‌ای که برگزار شده مهم‌ترین رویداد فرهنگی، هنری در کشور است و به سبب اهمیت آن همه دنبال این هستند تا به هر دلیلی و به هر شکلی نقشی در این رویداد داشته باشند و از چند ماه قبل از آغاز جشنواره فیلم فجر شور و هیجانی به سینمای ایران تزریق می‌شود. در واقع جشنواره فجر باعث می‌شود که روند تولید سینمای ایران با جشنواره فجر شروع و با جشنواره فجر خاتمه پیدا کند.

اما چیزی که باعث تمایز دوره‌های مختلف نسبت به همدیگر می‌شود شیوه‌های برگزاری آن و شیوه مواجهه دولت‌های مختلف و دبیران مختلف با این رویداد است که باعث می‌شود شمایل جشنواره فجر در ادوار مختلف تغییر پیدا کند. جشنواره فیلم فجر چهل و سوم را از یک منظری می‌توانیم بگوئیم که در دوران گذار است و شبیه طرز فکر هیچ کدام از دولت‌ها بطور مطلق نیست. نه شبیه آنچه دولت سیزدهم قصد داشت برگزار کند و نه به طور مطلق و ایده‌آل، آن چیزی است که دولت چهاردهم بنا بر برگزاری آن داشت. در واقع اگر قرار بود برنامه‌ریزی‌ای برای این رویداد در دوره دولت چهاردهم انجام شود حتما نقطه آغاز و نقطه شروع آن جشنواره چهل و سوم نمی‌توانست باشد چون از میانه یک تصمیم آقای شاهسوری به عنوان دبیر انتخاب شد و در میانه یک تغییر مدیریتی آقای فریدزاده به جای آقای خزاعی سکان سینما را به عهده گرفت. طبیعتاً هر چقدر هم یک جشنواره از قبل برنامه‌ریزی شده باشد با تغییر مدیریت مسیر آن جشنواره تغییر می‌کند.

نکته‌ای که سالهاست در حوزه مدیریت فرهنگی درباره آن صحبت می‌کنیم نیاز رسیدن به ثبات در حوزه‌های مدیریتی است که از اهمیت بالایی برخوردار است. یعنی اگر قرار باشد یک دولتی و در یک دوره‌ای نگاه خاص به برگزاری جشنواره داشته باشد حالا که این دوره گذار انجام شده دیگر باید حداقل یک برنامه ۴ تا ۸ ساله شکل بگیرد که البته آن هم بستگی به این دارد کدام جناح سیاسی در کشور در انتخابات‌های بعدی پیروز می‌شود و در واقع وقتی چهره سیاسی کشور تغییر پیدا می‌کند جشنواره‌های فجر هم طبیعتاً منبعث از این تغییرات خواهند شد. حال که دولت چهاردهم راس کار آمده است و تفکری متفاوت از تفکر حاکم در دولت سیزدهم در مدیریت سینمای ایران و به تبع آن جشنواره فجر حاکم شده است، طبیعتاً است که همه انتظار دارند در این دوران، ثبات شکل بگیرد و تمام آن چیزهایی که سالیان سال از مدیران فعلی سینمای ایران و جشنواره در صحبت‌های‌شان شنیده‌ایم و می‌خوانیم که جشنواره نیاز به ثبات، دبیرخانه دائمی و حتی نیاز به مکان ثابتی دارد، در عمل اتفاق بیافتد. همه اینها نکاتی است که می‌شود یک بار برای همیشه توسط یک مدیر سینمایی با شجاعت کامل عملیاتی شود و به شخصه نمیدانم چرا در طی این سال‌های طولانی برگزاری جشنواره مهم فیلم فجر هیچ وقت این اتفاق نیفتاده است. اگر قرار است آیین‌نامه برای جشنواره فیلم فجر تدوین و طراحی بشود واقعا یک آیین‌نامه کاملی باشد که تا سال‌ها محل رجوع باشد. آیین‌نامه‌ای نباشد که در دوره‌ای بنا به سلیقه و بنا به نگرش متفاوت یک فرد یا یک مدیریت کلان سینمایی یا یک مدیریت کلان حالا سیاسی یا جناحی بخواهد اساس جشنواره تغییر کند. در یک دوره‌ای ما شاهد بودیم که اصلاً جویز فنی از جشنواره حذف شد و دوباره بلافاصله در دوره بعد اضافه شد. در دوره‌ای مدل و نگاه این بود که باید تعداد آثار زیاد باشد و بیش از ۴۰ اثر را هم در جشنواره داشتیم حالا در این دوره سیاست این بوده که بخش فیلم‌های اول و سودای سیمرخ با همدیگر ادغام بشوند و دیگر چیزی به اسم مسابقه فیلم اول وجود نداشته باشد و همه فیلم‌های اول این شانس را دارند که در بخش‌های مختلف داوری شوند. این اتفاق خوب است ولی اگر بخواهیم کلان‌تر نگاه کنیم این اتفاق نیاز به ثبات دارد و اگر قرار است جشنواره فجر در همین نقطه به ثبات برسد چه بهتر که دارای آیین‌نامه کامل و شفافی باشد که همه خرّوجی‌ها، انتخاب‌ها و در نهایت همه فرایندهای سیمرخ به آثار کاملاً مشخص شود. آن موقع می‌توانیم امیدوار باشیم که ۲۰ یا ۳۰ سال دیگر که به جشنواره فجر رجوع می‌کنیم به آثار دوران ثبات در آن برسیم و ببینیم که از یک مقطعی به بعد دیگر در این رویداد حداقل شاهد تغییرات ماهوی نیستیم و با سر و شکل برگزاری و در واقع تفکر مدیریتی یکسان مواجه شویم. امیدوارم یک روزی در مدیریت کلان سینمایی به این اتفاق نظر برسند که جشنواره تاثیرگذار باشد و بدانند که جشنواره صرفاً متکی به حضور فیلم خوب در آن نیست بلکه باید در ساختار اجرایی نیز تغییرات بنیادی شکل بگیرد تا روز به روز شاهد تاثیرات مثبت جشنواره فجر باشیم.

یادداشتی بر فیلم «زیبا صدایم کن» ساخته رسول صدرعاملی

بازگشت به اوج



رضا خسروزاد
نقد فیلم

«خسرو که به اجبار در آسایشگاه روانی بستری است، سال‌های زیادی را در فکر دخترش زیبا سپری نموده. روز تولد ۱۶ سالگی دخترش زیبا، می‌خواهد برای او پدر خوبی باشد...»

ملودرام «زیبا صدایم کن» از محدود فیلم‌های جشنواره است که تعریف کامل ژانر ملودرام را در جزئیات و به ویژه در شخصیت‌پردازی دارد. تلفیق ترغیب برانگیز پدر دل‌سوز با دختری باهوش در ایجاد مشارکت عاطفی تماشاگر با زیر و بم شناختی شخصیت‌ها و در نتیجه همدلی با آنها بسیار موفق است. به لطف بازی‌های بسیار خوب و به ویژه بازی طلایی امین حیایی، فیلم به لحاظ جذابیت و اشتیاق پی‌گیری اکت کاراکترها و رضایت از سرانجام شخصیت‌ها فوق‌العاده است. شروع فیلم زیبا و موجز و پاسخ‌های دختر به کارشناس در جهت تأیید صلاحیت، ترند خوبی برای معرفی دختر و پیشبرد توام داستان است.

و اما آدم‌ها در ماندگی‌های مشترکی دارند و هرچه این بازماندگی‌ها بیشتر می‌شود نیاز به قهرمان هم بیشتر حس می‌شود. همه ما نیاز به قهرمان داریم. قهرمان‌هایی که آدم‌های عادی باشند تا با تماشای نبردشان با غول زندگی، لذت پیروزی‌های نداشت‌ه‌را مزه کنیم.

«زیبا صدایم کن» اقتباسی از رمانی نوشته فرهاد حسن‌زاده است که داستان دختری را روایت می‌کند که بین پدر روانی و سرنوشتش گیر افتاده است. اقتباس از آثار شناخته شده و قوی، همیشه با واژه‌ها از هیبت شاهکار انجام می‌شود. حتی در بزرگترین اقتباس‌های دنیا هم این احتیاط و لرزش فیلمساز دیده می‌شود. اما در مقوله اقتباس از آثار کمتر شناخته شده، این واژه کمتر و آزادی عمل و رهایی بیشتری برای فیلمساز وجود دارد. به گمانم به همین جهت است که در فیلم، شخصیت‌ها به شدت از زمان بهتر و در یک تعریف سینمایی هستند. خسرو، مردی که بین آسایشگاه و کوچه، بین عشق به دختر و بیماری‌اش گیر افتاده، تلاش می‌کند تا بتواند در کنار دخترش باشد. حتی اگر به بهای مردی دیگر شدن باشد. کجارتن پدر مهم نیست. قهرمان صرفاً باید کنشگر و فعال و مبارز باشد تا دلد مخاطبش را به دست آورد. سانتی‌مانتالیسم موجود در نمایش روابط پدر و دختر، گاهی غلیظ می‌شود اما حد را نگه داشته و لوث نمی‌شود و درست به همین جهت است که شکل و حس این رابطه دوست‌داشتنی در آمده است. شروع فیلم از جنوب شهر و بهتر بگوئیم ابتدای خیابان ولیعصر و به مرور آمدن تا بالای شهر و شمال، خطی است که در وجه نمادین به بهبود روابط و پاک‌گشتن و زیبا شدن زندگی پدر و دختر اشاره دارد. این صعود همچون سربالایی خیابان، آرام و ناپیدا و زمان‌بر است و اگر دل به آدم‌های داستان بدهید شما را مجذوب و شیفته می‌کنند. فیلمبرداری با آن قاب‌های زیبا و پرتحرک در کنار نور و صدای عالی و طراحی لباس و دقت ویژه حیایی در رعایت راکورد بازی و ریتم شخصیت پدر، کار را دیدنی ساخته است و در نهایت برای شاخص شدن یک فیلم باید تمام عناصر و اجزا و ارکان از درجه‌ای از کیفیت و حرفه‌ای بودن عبور کرده باشند تا بتوان گفت یک صعود سینمایی رخ داده است.

جدول امتیاز دهی منتقدان به فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره بین‌المللی فیلم فجر

منتقدین	نام فیلم	موسی کلیم‌الله	بازی را بکش	صددام	تاکسیدرمی
	حسین گیتی	*	*	**	-
	فاطمه فریدن	-	**	*	*
	حسن لطفی	**	*	*	*
	پیمان شوقی	*	**	**	*
	محسن سلیمانی فاخر	*	**	*	*
	نغمه خدابخش	*	**	*	*
	ذبیح‌الله رحمانی	*	*	*	*
	مازیار معاونی	*	**	*	*
	وحید فرازان	*	**	**	*
	محمد شریعت پناه	*	**	*	*
	رضا حسینی	*	**	**	*
	ایمان عظیمی	**	**	*	*
بد *	متوسط *	خوب **	خیلی خوب ***	عالی ****	